

**دانلود جزوه منطق ۳**

**برای تهیه کنندش  
صلوات بفرستید.**

اولین قسم از عباری مطالبه اجابت ← تعیینات

یقین دارای ۲ معناست ← یقین به معنای اعم ← عبارت است از مطلق اعتقاد

مازم ۳ و یقینی

یقین به معنای اخص ← اعتقاد مطلق با واقع

۱ احتمال صدق نقیض

وجود ندارد

۲

و از روی تقلید به دست نیامده

مقصود از یقین در این جا همین معنای دوم است در نتیجه شامل (جمل مرکب

ظن و تقلید) اگر چه همراه با جزم باشد نفی شود

یقین به معنای اخص قوامش ۲ معنی است ←

۱ هر با اعتقاد به مفهوم قضیه اعتقاد دومی (به صورت بالفعل یا به صورت

بالقوه نزدیک به بالفعل) وجود داشته باشد به اینک نفی و بطلان مفهوم

تضمین ممکن نیست و همچنین اعتقاد دوم است که جزم را پدید می آورد

۲ سوال و از این روست این اعتقاد دوم ممکن نباشد و در صورتی چنین خواهد

بود که این اعتقاد از علت خاصی پدید آمده باشد در این صورت NDT

هرگز از آن جدا نمی شود

بہا برفی از اولیات نزد برخی از مردم پوشیده و پنهان است چرا کہ تصور روشن

از طرفین قہم ندارند و شرفاء تصور صحیحی از طرفین دست آورند عقل بلا فاصلہ

اعتقاد جازم پیدا می کند.

۱۔ و میں قسم از یقینات ~~ہے~~ بدیہی ہے مشاہدات.

تذکرہ ہے قضا یا یہ مستند بہ واسطی آنچہ باحواس خود ادراک می نمایم

عقل بہ آنجا حکم می کند و تصور طرفین بہ تنہا یہ برای حکم کردن عقل کافیست

نکتہ ۱: مشاہدات و محسوسات نیز نا میدہ می شوند.

شہادت حضرت امام جعفر صادق (ع) (۱۴۸ ق) (تعطیل)

نکتہ ۲: لغتہ شدہ ہر کسی حسن! فاقد است در حقیقت از نوعی علم محروم است.

حسن بر آفتاب است ←

الف ← ظاہر ہے کہ ہماں ~~ہو~~ حواس پنجگانہ (بینایی - شنوایی - چشایی -

بینایی - لامس) و قضا یا یہ کہ بہ واسطی حسن ظاہر مورد یقین واقع می شود

حسیات میں گویند۔ مثل ← حکم بہ نورانی بودن خوشبید یا گرم بودن آتش

و یا شیرین بودن یک میوہ و یا خوشبو بودن یک گل زیبا.

اعتقاد به آن نزد عقل حاضر و گاهی سبب

قائِب است ، به بدیهی و نظری تقسیم می شود و قضایای نظری لزوماً به بدیهیات

منتظر می شوند.

بنابراین بدیهیات اصول و پایه ی تقیینات را تشکیل می دهند و به حکم

استقراء ۴ نوع هستند. ( اولیات - مشاهدات - تجربیات - استوثرات - حدیثات )

فطریات )

قسم اول از تقیینات بدیهه می آید اولیات .

اولیات ۱) قضایایی هستند که ذاتاً مورد تصدیق عقل می باشند.

۲) یعنی عقل بدون نیاز به یک سبب بیرون از خود قضیه آن را می پذیرد.

۳) بدون صورت که تصور طرفین قضیه همراه با توجه نفس به نسبت میان آنها در

حکم و جزم به صدق قضیه کفایت می کند.

۴) بنابراین صرفاً عقل اجزای قضیه را به طور صحیحی تصور کند بلافاصله هنگام

توجه به آن ، آن را تصدیق می کند. مثال ← کل نزدیکتر از جزء است و یا تقیفات

با هم جمع نمی شوند.

NOTE

اولیات خود ۲ گونه اند ( الف ) برخی از اولیات نزد رهبران روشن است

چرا که همگی مردم تصور می کنند خود آن نزد خود دارند مثل ۲ صالی که بیان شد

Bors:

Gold:

Euro:

Dolar:

حجت آرائین امام خمینی و یا کار برد آنها صناعات خمینی نامیده می شود مثلاً

قسمتی شود به صناعت برهان - صناعت جدول و ...

قبل از پرداختن به بیاید این صناعت ها به عنوان مقدم انواع گوناگون قضیه که

در حجت به کار می رود را بیان کنیم که در اصطلاح علمی به این قضایا عبارتی حجت

گفته می شود

**مبارای حجت :**

مبارای بیان شود واجب نیست هر قضیه ای به واسطه دلیل و حجت طلب شود

بلکه ناچاریم از منتهی شدن در طلب خود به قضایا بیاییم بی نیاز از دلیل و اقامه می

حجت هستند

موارد حجت فرعی ندارد یقینی باشند یا نه

۱- یا منی حدنقص بی نیاز از دلیل و اقامه می حجت هستند به این معنا که شأن آنها به گونه ای

است که طلب حجت و دلیل ندارند

نکته: این مقدمات عباری مطالب یا مبارای حجت نامیده می شوند و به ۸ قسم هستند:

تقریبات - مشهورات - معنویات - وجهیات - مسلمات - مقبولات - مشهورات

۲- یا اینکه محتاج به بیان و دلیل هستند در این گروه به ناچار باید منتهی شویم به

مقدماتی که من حدنقص بی نیاز از دلیل اند و برین در طلب خود رجحان تسلسل می شوند و تسلسل

صناعات فنی

مقدمه ← سابقاً گذشت که حجت یا استدلال یعنی مجموعی از قضایا که توسط  
 آنجا به قضیه ای به مطلوب است روی آورده می شود و هم این طور گذشت که حجت  
 دارای ۲ جهت است:

۱- صورت ← مقصود از صورت هیئت قرار گرفتن و نحوه ترکیب بین قضایا است  
 که از این جهت حجت به (قیاس - استقراء - و تمثیل) تقسیم می شود

۲- عاره ← مقصود از عاره مقدماتی است که حجت از آنها ترکیب یافته که با توجه  
 به موارد آن به ۵ قسم (برهان - جدل - خطابه - شعر - محالطه) تقسیم می شوند.  
 در صورتی که حجت بر اساس شرطی که سابقاً بیان شد تألیف شود و از طرف دیگر مقدمات  
 و موارد آن نیز مسلم و صادق باشند در این صورت قطعاً منتج است.

در باب مقدمات قیاس نگاه ما به خود موارد به صورت فی النقص و با قطع نظر از هیئت  
 تألیفشان است.

این مقدمات از جهت اعتقاد و پذیرش صدقشان و عدم اعتقاد و عدم پذیرش صدق  
 متفاوت هستند آنچه صورت حجت یکسان باشد.

NOTE

\* حجت با توجه به توانایی مقدمات و ترتیبی ای که ارائه می دهد و با توجه به هدفی  
 که از تألیف آن مورد نظر است به ۵ قسم تقسیم می گردد (با توجه به چه چیزی حجت به هم

ب) **حس باطن** ← قضایای بی‌هوشی و اطمن حسن باطن مور (یقین) واقع

08.00

می‌شوند و وجود انبیاء گفته می‌شود. **فانند** ← علم فایده‌گزاران - به‌ترسان -

09.00

در - لذت - گم - نشسته -

۲۷، ۱۱، ۹۷

10.00

**\* تجربات:**

11.00

**تعریف** ← قضایای بی‌هوشی در اثر تکرار مشاهده در احساس به آن حکم می‌کند.

12.00

تکرار مشاهده موجب می‌شود در نفس حسی، بسوخ کند که هیچ تردیدی در آن

13.00

راه ندارد. **فانند** ← حکم به اینکه هر آتش گرم است و جسم در اثر حرارت منبسط

14.00

می‌شود.

15.00

هنگامی که اقسام مختلف اجسام، اثر بهیچ‌کدام چون آهن - مس و غیره

16.00

را می‌بایسیم که در اثر ارتفاع درجه حرارت جسم همیشه افزایش می‌یابد پس

17.00

نتیجه می‌گیریم که ارتفاع درجه حرارت سبب انبساط اجسام است. اکثر مسائل

18.00

علوم طبیعی - شیمی و پزشکی از نوع تجربات است.

19.00

(مهم) نتیجه‌گیری در تجربات از نوع استقرای ناقص مبتنی بر علت است که مفید

20.00

یقین می‌باشند و در حقیقت حکم کلی بر ۲ قیاس مخفی دارد. ۱- قیاس استثنایی

۲- قیاس افتراقی

قیاس استثنایی ← اگر این اثر اتفاقی حاصل شده بود و نه از روی علت داننا

حامل نفی شود ← (مقدمه اول - بدیهی)

08:00

مقدمه دوم - بدیهی ← افا در آنجا حاصل می شود.

09:00

∴ پس حصول این اثر اتفاق نیست بلکه خاطر علتی است که آن را ایجاب کرده

10:00

است

11:00 قیاس اقرانی ← صغری (نتیجه قیاس استثنایی سابق) ← حصول این اثر معلول

11:00

12:00 علت است.

تکری ← هر معلول علتی محال است از علت خود جدا شود (بدیهی اولیم)

13:00

∴ این اثر محال است از علت خود جدا شود.

14:00

نکته ۱: باید توجه داشت که هر تجربه ای مستلزم یک حکم یقینی و مطابق با واقع نیست

15:00

زیرا بسیاری از امور که عامه مردم بر اساس تجربیات خود به آنها حکم می کنند

16:00

خطا است منشأ خطاهم این است که آنچه را علت نیست علت می پندارند

17:00

یا علت ناقصه را به جای علت تام در نظر می گیرند.

18:00

نکته ۲: علت خطاهای مردم در این است که در مشاهدات خود آن اندازه

19:00

دقیق نیستند که برای صدق مقدمه دوم قیاس کفایت کنند چرا که گاهی پیدایش

20:00

یک اثر همیشه نیست اما مشاهده کردیم با تکیه بر چند مورد تضاد می که او آن را

NOTE

دائمی پنداشتیم گمان می کند پیدایش همیشه است.

نکته ۳: علت چنین گمانی در مردم با جهل است یا غفلت یا ضعف اندیشه یا شبان

در حکم



24 July 2017

۲۹ شوال ۱۴۳۸

در نتیجه در چنین حالتی اثر مشاهده بر تجربه را ادامه داده و مورد توجه

08.00

تجربه را تغییر دهد به نتیجه دیگری دست می یابد.

09.00

\* متواترات ← قضا یا بی است که نفس نسبت به آنها سکون و آرامش دارد

10.00

به گونه ای که هیچ شکی در آن راه نیافته و حزنم و قطع نسبت به آن حاصل

11.00

می گردد.

۹۷، ۱۱، ۲۹

12.00

این سکون و آرامش در اثر اخبار گزیده است که توافقشان بر کذب با و نیز

13.00

خطای آنها در فهم حادثه ممکن نیست. مانند علم فایده شهرهای دور دست

14.00

که ندیده ایم یا علم به نزول قرآن بر پیامبر یا علم به وجود برخی امت ها و

15.00

اشغال در گذشته.

16.00

نکته: بعضی از منطقی دانان تعداد خبر دهندگانی که برای حصول تواتر لازم

17.00

است را مشخص کرده اند اما این اشتباه است زیرا ملاک در رسیدن به یقین

18.00

در تواتر این است که هنگام علم به امتناع، تبانی بر کذب و امتناع خطای

19.00

همه یقین حاصل می شود و این ملاک است. و رسیدن به یقین ارتباطی به

20.00

عدد ~~مطلق~~ مخصوصی از مخبرین ندارد.

NOTE

\* حد بیان:

تعریف ← قضا یا بی است که میرا حکم به آنها حدس قوی نفس است به هر

گوئی تردید را از بین می برد و ذهن به مضمون آن خیزم پیدا می کند. **عائذ** ←

علم قائم اینک سره ی ماه - هر چه عطار و دیگر ستارگان نور خود را از خود شدید  
می گیرند یا حکم به نیروی بودن زمین

**نکته** ← حدسیات در امر جاری مجرای مجربات هستند ←

۱- تکرار مشاهده ۲- داشتن یک قیاس مخفی

به عنوان مثال در قیاس می گوئیم اگر این تغییر که در نور ماه مشاهده

می شود تصادفی بود یا در اثر یک عامل خارجی غیر از خود شد هرگز در طول

زمان به یک نحو استمرار نمی یافت.

لکن همواره به این نحو خاص تغییر می کند پس ذهن حدس می زند که سبب

آن انعکاس پرتو خورشید به آن است.

**نکته مهم**؛ قیاسی که همراه با اختلاف علت ماهیات در موارد

مختلف، مختلف می شود. در حالی که قیاس همراه با تجربه شکل ثابتی دارد

و مختلف نمی شود. چرا که سبب در تجربیات معلوم نیست و فقط همین اندازه

معلوم است که سبب و علتی دارند و این تفاوت میان تجربیات و

حدسیات در آن است که در مجربات تنها حکم می شود به اینک سبب و علتی

وجود دارد که به طور مستقر روی می دهد بدون آنکه ماهیت آن سبب

NOTE

عین می شود اما در حدیث ماهیت سبب نیز عین می گردد که هم چیز است

08:00

فطریات ←

تعریف: فطریات قضیه ای است که قیاس چهارهش است یعنی عقل همچون

09:00

اولیات تنها با تصور طریقین آن به آن صحت نمی کند بلکه باید حد وسطی

10:00

برای آن باشد اما این حد وسط ~~برای آن~~ از ذهن غایب نیست تا

11:00

بیا ز به طلب و کسب دانسته باشد بلکه هرگاه مطلوب در ذهن حاضر شود

12:00

حد وسطه نیز حضور می یابد و در نتیجه تصدیق صورت می گیرد مانند حکم

13:00

اینکه  $\frac{2}{5}$  عدد ۲ است این یک حکم بریهی است اما در عین حال به یک

14:00

حد وسطه فهمیده می شود چرا که ۲ عددی است که با آن ۴ قسم دیگر به

15:00

مساوی با آن است تقسیم می شود و هر چیزی که تقسیم شود به این عدد (۲) و

16:00

چهار قسم دیگری که مساوی با آن است در نتیجه این عدد می شود  $\frac{1}{4}$  از عدد اعلی

17:00

قسم دوم از عباری مطالب یا عباری حجت ← مظلونات

19:00

مظلونات از واژه ی ظن گرفته شده است و معنای لغوی ظن از معنای اصطلاحی

20:00

آنکه عام تر است.

NOTE

مفهوم لغوی ظن ← عبارت است از اعتقاد به یک امر غائب بر اساس حدس یا

تخمين بدون آنکه امر مورد اعتقاد مشاهده شده باشد و یا دلیل و برهانی بر آن

قام شده باشد حال ~~آن~~ آن اعتقاد قطعی و مطلق با واقع باشد اما

ستند به علت نباشد **مانند** اعتقاد ناشی از تقلید دیگران و یا آنکه آن اعتقاد

بیر قطعی باشد به این معنا که یک طرف قهقبره نفس یا اثبات ترجیح داده شود و در

بین حال طرف دیگر هم محتمل باشد این را ظن به معنای اخص گویند که در برابر

قیس به معنای اعم قرار می گیرد.

مقصود از ظن در اصطلاح منطوق دانان **←** ظن به معنای اخص است بنابر این

فصلی مضمون قیسی است که به پیروی از ظن غالب مورد تصدیق قرار می گیرد

در عین حال احتمال تقیض آن نیز داده می شود **مانند** **←** اینجاست پس بلوید عملی

دشمن من هم از است پس بر علیه من سخن می گوید یا فلانی عملی ندارد

پس انسان فرومایه ای است یا فلانی نقص عضو دارد پس عقده حقارت دارد

۹۷، ۱۱، ۳۰

سوین قسم از مباری حجت یا مطالب **←** مشهورات

NOTE

در اصطلاح ذایعات (شایعه - شیوع) نا عبیده می شود، قضا یا بی هستند که میان

مردم شهرت دارند و تصدیق به آنها در میان هم یا غالب **حُقلًا** و یا گروه خاصی از

08:00

### مشهورات بر منطبق دارای افعلا و افعال است

09:00

۱- مشهورات به معنای اعم ← قضا یا بی هستند به معنی عقلا و اعتقاد به آن

10:00

با هم توافق دارند اگر چه منشا این اعتقادهای آن باشد که قضیه ی مورد

11:00

نظر یک قضیه ی اولی است و در پس توافق آرای عقلا و افعالی وجود دارد

12:00

که با آن مطابق است این معنا هم شامل مشهورات به معنای اخص می شود

13:00

و هم شامل قضا یا بی مانند ← اولیات و فعلیات که از اقسام یقینیات

14:00

بر بی هستند بنا بر این گاهی یک قضیه ی واحد مانند ← کل بر اکثر از ج است

15:00

از یک جهت در یقینیات و از جهت دیگر در مشهورات داخل می شود

16:00

۲- مشهورات به معنای اخص یا مشهورات صرف ← این دسته از قضا یا

17:00

به وصف شهرت سزاوارترند زیرا آنها قضا یا بی هستند که تنها دلیل برای

18:00

تصرف آنها همان شهرت و اعتراف همگان است مانند ← حسن عدل و

19:00

قیح ظلم و وجوب دفاع از مقدسات و زشتی آزار رساندن بی هدف

20:00

به حیوانات و غیره.

NOTE:

قضایای یاد شده واقعی در پس اتفاق آرای عقلا بر یزیرش آنها

ندارند و در حقیقت واقعیت آنها همین اتفاق همگان است در این قضا یا

30 July 2017

٦ ذى القعدة ١٤٣٨

اگر انسان باشد و عقلش و حس و هوشش اسباب شهرت برایش حاصل

08:00

نمی شود. عقل یا حس و یا هوش او در این قضا یا هیچ حکمی نخواهد داشت

09:00

ولی حکمی مثل ← اینک کل بر اکثر از جز است چنین نیست یعنی اگر حجتی

10:00

انسان خودش باشد و خودش بار هم این حکم از او صادر می شود

11:00

همه مقایسه بین مشهورات و یقینیات:

12:00

شاهت ← هر ۲ افاده ی تصدیق داریم و قطعی دارند

13:00

تفاوت ← در یقینیات مطابقت با واقع و نفس الامر معتبر است که اگر

14:00

تفسیر به حق و یقین می شود اما در مشهورات مطابقت با توافق اگر

15:00

معتبر است چون مشهورات واقعیتی جز توافق اگر ندارد

16:00

نکته: در مقابل مشهور وازه ی شنیع قرار دارد (و مقصود از شنیع یعنی

17:00

چیزی که هم باید کمتر مردم نسبت به آن گواهی دهند وازه ی

18:00

گازب مقابل مشهور نیست بلکه گازب در مقابل صادق قرار دارد

19:00

اقسام مشهورات:

20:00

از جهت دایره وحد مشهورات:

NOTE

۱- گاهی مطلق اند ← یعنی نزد همگان شهرت دارند ← کل بر اکثر از جز است

۲- گاهی محدود اند ← یعنی نزد گروه و دسته ی خاصی شهرت دارند ← مانند

31 July 2017

لائی الفیضہ ۱۴۳۸

# شہرت امتناع تسلسل نزد متکلمین

08:00

۱- حجت سبب شہرت تو بر حسب استغراق اقسام مشہورات بہ شرح زیر است:

09:00

۱- واجبات قبول - قضا یا بی ہستند کہ منشأ شہرت آنہا و صرح و آشکاری

10:00

عقاسبت و صدق آنہا است از این رو ہمہی عقلا آنہا را ہی پذیرند و بدان

11:00

اعتراف دارند. مانند - اولیات و فطریات. این قضا یا بی لہذا فلان کہ مورد

12:00

قبول ہکان ہستند و مشہور بہ معنای اعم خواندہ می شوند.

13:00

۲- تأدیبات ہلاکیم - جہورات یا آراء جمورہ - قضا یا بی ہستند بہ عطف

14:00

نظام و بقای نوع انسان بہ آنہا بستگی دارد از این رو سبب تصدیق و پذیرش

15:00

آنہا رعایت و سلامت عمومی است و ہمین امر موجب توافق آراء عقلاء

16:00

بر آنہا شدہ مانند - قضیہ عدل خوب است و ظلم بد است معنای خوب بودن

17:00

عدل آن است کہ عقلا کسی را کہ عادل است ستایش می کنند و معنای بد بودن

18:00

ظلم آن است کہ عقلاء شخص ظالم را نکو ہش می کنند مدار از عقل

19:00

در انکس می گوئیم عقل حکم می کند بہ حسن یک چیز یا بہ قبح آن، عقل

20:00

علی است کہ در مقابل عقل نظری قرار دارد.

NOTE

تفاوت بین این ۲ نوع بہ تفاوت مُدرکات آنہا بازمی گردد.

اگر مُدرک چیزی باشد کہ صرفاً دانستی است مثل کل بزرگتر از

1 August 2017

۸ کی الفصحہ ۱۴۳۸

جرات کہ ارتباطی باشیوه یا عمل و وقتا، در ادراک آن، عقل نظری

08.00

گویند که هر قدر که چیزی باشد به انجام دادنش با ترس سردن باشد مانند **عس**

09.00

عدل و قبح ظلم ادراک آن، عقل عملی گویند.

10.00

۳- **خلقیات** ← عبارت است از احکام و اصولی که عقلا به خاطر

11.00

حکم خلق کرده بر آن توافق دارند مانند **حکم** به وجوب محافضت

12.00

از مقدسات یا جان. **حکم** به خوبی شجاعت. **حکم** به بدی ترس و بخل

13.00

۴- **خلق** ← بلکه این است در نفس که در اثر تکرار افعال چهار از انسان پدید می آید

14.00

۵- **احدی** که موجب سهولت امور آن از فاعل شود **مثلاً** ← وقتی

15.00

به صورت خلق درمی آید که از شخص آنقدر فعل فعل خستش سر

16.00

نزد که دیگر عطا و خستش به آسانی و هیچ خستش به دور را بد

17.00

۶- **توسیع مطلب** ← خداوند تعالی در قلب انسان حس را خلق کرده و آن

18.00

راحت بر او قرار داده که به واسطه این حس احساس و مقابح افعال

19.00

را درک می کند این حس در وقت علم اخلاق حدی بر می آید می شود

20.00

NOTE

و در نزد قدرهای علم اخلاق قلب - عقل عملی - عقل مستقیم و با حس

سلیم خوانده شده است این احساس قلبی در حقیقت صوت خداوند است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نه خر و نه جان انسان این مشترک است و نه همین دلیل است که خلق  
از جمله مشهورات خوانده می شوند. البته باید توجه داشت که گوش سپردن

08.00

به ندای و حران بار آسانی نیست و برای انسان حاصل نمی شود مگر در صورتی

09.00

که از شهوات و هواهای نفسانی منقطع گردد.

10.00

عصرت آینه ۱۲/۱۲/۹۷

11.00

۴- **انفعالیات**: قضا یا بی هستند که به سبب تأثیر نفسانی عام بوده و مردم آن را

12.00

قبول می کنند تا اثرات نفسانی هم چون رقت، رحمت، شفقت، حیا، خشم، حسد

13.00

غیرت و غیره. **مثال**: اکثر مردم آزار رساندن بی هدف به حیوان را زشت می دانند و این

14.00

به خاطر احساس رقت و رحمتی است که در آنها وجود دارد (یا اکثر مردم یاری رساننده

15.00

به ضعیفان و مریضان و بیجان را مورد ستایش قرار می دهند چرا که این امور مقتضای

16.00

رحمت و شفقت است. **یا مثلاً**: کشف عورت، اقبیح و شیامند چرا که این امر

17.00

مقتضای حیا است و یا مدافع وطن و خانواده را مورد مدح قرار می دهند چرا که این

18.00

امور مقتضای حمت و غیرت است.

19.00

۵- **عادیات**: قضا یا بی هستند که توده‌ی مردم به خاطر عادت می‌در آنجا استغفار

20.00

یافتن آن‌ها را می‌پذیرد **مثلاً** عادت آن‌ها به اجترام کردن و وارد شونده با ایستادن

و یا عادت مردم بر پذیرایی از مهمان **یا مثلاً** بوسیدن دست یا دستان

و یا عادت مردم بر پذیرایی از مهمان **یا مثلاً** بوسیدن دست یا دستان

عادات عمومی فراوان اند و گاهی یک عادت ممکن است فقط در شهر و یا ناحیه خاصی

08:00

عادت باشد و گاهی ممکن است در نزد جمیع انسانها خصوصیت داشته باشد و مردم محافظه

09:00

بر عادات را مدح می کنند و در مقابل شخصی را که مخالف با عادات رفتار می کند مورد مذمت

10:00

قرار می دهند **مثلاً** ← می بینیم که لباسی که لباس نامرئوف پوشیده اند به خاطر این

11:00

پوشیدن چنین لباسی عادت نیست مورد مذمت قرار می دهند

12:00

۶- **استقرائیات** : قضایایی هستند که در اثر استقرای نام یا ناقص مورد قبول توده‌ی

13:00

مردم قرار می گیرند **مانند** ← این حکم می کنند بر اینکه تکرار قتل و اجد ملال اگر

14:00

است و یا اینکه پادشاه فقیر ظالم است.

**قسم چهارم از مباری حجت یا مطالب** ← **وهیات**

**تعریف** : مقصود از وهیات قضایایی و همی صرف است یعنی قضایایی که ناذب

و بد و غی که وهم آنها را بپذیرند و با قوت به آنها حکم می کنند گونه‌ای که خلاف

آن را حتی اگر برهان بر آن اقام شود نمی پذیرند **چنین مواردی تحمل به نتیجه نمی**

برهان ایمان می آورد اما وهم مخالفت می کند و هم آنچه را که برهان مورد درانسته

به همان صورت که با آن اش گرفته تصویر می کند و از پذیرش خلاف آن خودداری

NOTES

5 August 2017

۱۲ کی القعدہ ۱۴۳۸

من بعد گذر او هیات ار عقدرات شمرده می شود **مثال** ← وهم غالب مردم

08:00

از تاریکی وحشت دارند در حالی که عقل عرقی بین مکان تاریک و روشن نمی بیند

09:00

در هر حالت مکان همان است و تاریکی اثری که موجب زیان یا هلاک

10:00

شود ندارد **یا مثلاً** اکثر مردم از جنازه می ترسند در حالی که جنازه جسم بی جان است

11:00

که نه حرکتی دارد نه سود و زیانی و حتی بر فرض اینکه زنده شود (انسانی است مانند پیران

12:00

همانگونه که در گذشته بوده ولی با این حال سبب ترس است.

13:00

**احکامی که وهم دارد:**

14:00

اگر در نفس محسوسات جاری باشد عقل نیز آن را تصدیق می کند و با وهم در

15:00

حکم مطابق است مانند احکام هندسی یا حکم به اینکه جسم در زمان واحد در یک

16:00

مکان حلول نمی کند.

17:00

اما احکامی که وهم در باره‌ی غیر محسوسات دارد که به آن قضا بای وهم محسوس

18:00

لقه می شود قطعاً کاذب و ~~موجود~~ شروع است چرا که وهم امری را در این امور را

19:00

در قالب امور محسوس در آورد (در حالی که به حکم ضروری عقل آنها از محسوسات

20:00

نیستند.

NOTE:

**مثال دیگری** ← که در باره‌ی وهمیات می توان زد حکم وهم است به اینکه هر موجودی

باید قابل اشاره‌ی حسی باشد و وضع مکان خاصی داشته باشد و نفس توان اشیا

6 August 2017

۱۳ ذی القعدة ۱۴۳۸

را جز در این قالب تصور کرد تا آنجا که خداوند متعال را نیز در مباحث بالائزما

08:00

تصور می کند و حجم بسیار هم فایده برای خداوند متعال و شفاعت ایشان قرار دهند و هم عاجز

09:00

است از اینکه موجودی را تصور کند که دارای زبان نیست اگر چه که عقل از طریق

10:00

بهرمان در مورد خداوند ثابت کرده که خداوند سر مری است.

11:00

علامت آنکه قضایای و همی صرف که آنها را و هیات می نامیم عبارند از

12:00

احکام و هم در معانی مجرد از جس قضایای که از بی که هیچ بهره ای از حقیقت

13:00

ندارند این قسم از قضایا در مخالطه به کار گرفته می شوند

14:00

۷، ۱۲، ۹۷ سهشنبه صبح

15:00 \* قسم پنجم از عباری مطالب یا حجت : مسلمات

16:00 قضایای هستند که طرفین بحث بر قبول و پذیرش صدق آنها توافق کرده اند.

17:00 خواه در واقع نیز صادق باشند یا صادق نباشند و یا هر دو احتمال در آنها وجود

18:00 داشته باشد.

استعمال مسلمات :

19:00 از طرف دیگر بحث خصم و دشمن باشد مقصود از استعمال مسلمات در قیاس

20:00

NOTE: خاموش ساختن اوست.

و از طرف دیگر بحث طالب حقیقت باشد اما استوار در یک و برهان را از اشته

باشد مقصود از استعمال مسلمات در قیاس، استغایر و قانع کردن اوست تا اعتقاد به

بم حقیقت این کتاب تریبون وجه برای او حاصل شود.

08:00

۱- مسائل عام

09:00

مسئله آن هستند که یا نزد همگان مورد قبول اند مانند زمانی

10:00

که از مشهورات باشند یا آنکه تسلیم به آنها نزد طائفتی خاصی مانند اهل یک

11:00

حین یا آنجا یا اهل یک علم حاصل و مورد در.

12:00

مسئله آن علم حاصل اصول موضوعی آن علم را عیده می شود زمانی که تسلیم

13:00

به آنها مساوی و از روی حسن ظن متعلم به معلم باشد و این اصول موضوعی

14:00

مباری آن علم را تسلسل می دهند

15:00

و آن تسلیم به آنها از سوی متعلم از باب مساوات همراه با انکار و تردید آنها باشد

16:00

چنانچه در حد مشاهده می شود در این صورت مضاررات نامیده می شود

17:00

۲- مسائل خاص

18:00

مسئله آن هستند که تسلیم به آنها از سوی شخص معینی

19:00

است که آن شخص طرف دیگر در مقام حد و مخالف است مانند قضا یا کسی که

20:00

از اعترافات خصم اخذ می کنیم و برای ابطال استقامتش استفاده می کنیم

NOTE:

\* قسم ششم از مباری مطالب اجمت به مقولات

مضایبی هستند که از روی تقلید از سابقان که گفته می آنها اهلینان است اخذ می شود

مشاد این اهلینان یا یک امر است سنان است مانند شرابط و دست های که

8 August 2017

٤٥ ذی القعدة ١٤٣٨

از بیابان و یا امام معصوم گرفته می شود و یا فرونی عقل و تخصص شخص است

08:00

عائذ احدی که از حکیمان و عالمان و دانشمندان در زمین های مختلف پزشکی

09:00

جامعه شناسی و اخلاق و غیره آن خدمت کنیم

10:00

یا به عنوان مثال می توان از ابیات نام برد که به عنوان یک شاهد از شاعر معروف

11:00

ذکر می شود و یا مثل های رایجی که در نزد مردم پذیرفته شده

12:00

تلمیح: مقبولات را می توان از اقسام معتقدات تصور که اعتقاد به آنها بر سبیل

13:00

قطع یا ظن غالب که معتقدین با تقلید است و در نتیجه با این امر یعنی تقلیدی بودن

14:00

از یقینات و مقبولات جدا می شود

15:00

تلمیح: گاهی قلمی و واحد می تواند در نزد یک شخص یقینی و در نزد شخص

16:00

دیگر از مقبولات و در نزد اشخاص دیگر از مشبهات یا مسلمات واقع شود

17:00

\* قسم هفتم از مباری مطالب یا حجت به مشبهات

18:00

قضایای گزارشی هستند در اثر مشابهت ظاهری یا یقینات و مشهورات و

19:00

پذیرفته شده اند و استدلال کننده باید با ترغیب این قضایا در استدلال خود مخاطب

20:00

را متقاعد می کند زیرا به جهت آنکه مخاطب قدرت تشخیص امر واقعی

از غیر واقعی ندارد و یا به سبب آنکه خود استدلال کننده نیز از این امر عاجز است

و یا به خاطر امور دیگر

مشبهات گاهی لفظی هستند مانند آنچه لفظ مشترک یا مجاز است و همین

08:00

موجب اشتباه در آن شده و گاهی معنوی هستند مانند آنچه غیر علت را به جای

09:00

علت قرار داده می شود.

10:00

تلمیح و مشبهات و وجهیات از موارد مقاله هستند که اهم آنها در مقاله مشبهات

11:00

هستند.

12:00

قسم هشتم از مباحث مطالب ← مهملات

13:00

قصایای هستند که صلاحیت افاده تصدیق ندارند بلکه در نفس تحلیلاتی را بوجود

14:00

می آورند که باعث پیدایش یک سری از فعلیات نضانی می گردند مانند کوچک

15:00

شمران یک امر عقلم بر لبین از یک امر کوچک شادمانی - نشاط حزن و

16:00

اندوه - شجاعت و اقرارم.

17:00

تا تشریح این قصایا در نفس ناستی از تصور معنا به صورت یک تصور جزاب و خیالی است

18:00

اگر چه واقعی نباشد.

19:00

استعمال مجاز تشبیه استعاره و غیره در این قصایا تا تشریح آنها در نفس افزایش

20:00

می دهد و امروزن وقایع و سجع و غیره نیز به آن ضمیمه گردد تا تشریح افزون تر

NOTE

خواهد داشت و هرگاه این مهملات با صدایی دلنشین و همراه با آهنگ و نوایی

مناسب سروده شوند تا تشریح چندین برابر می گردد.



پنجشنبه

10 August 2017

۱۷۰۰ الی الفجره ۱۴۳۸

تأثیر مخیلات در نفس به سبب مستقل بودن آنها برین کیفیت امور

08:00

تقریباً و برینش نیست اللهم ابر بر اینم آنها دروغ هستند نیز همان تأثیر مورد

09:00

استفاد از ادراک

10:00

مخيلات از مواد صناعت شعر هستند

11:00



08.00

۱- صفت برهان و فعاله بیشتر برای کسانی است که با علوم نظری و شناسایی

09.00

حقیقت وجودی سروکار دارند البته نهایت برهان به ذات خود مندر است **فایده** شناسایی

10.00

و برخی های غذاها به ذات در جهت سلامتی بدن مفید است.

11.00

اما فایده‌ی فعاله با الغرض است **فایده** کسی که مفهوم را شناسایی می‌کند تا امکان

12.00

پرهیز کند

13.00

۳- مضمون بیشتر برای همگان سودمند هستند و در اکثر مصالح اجتماعیه و کشوری و صحنه

14.00

داخل می‌شوند

15.00

**فایده‌ی صفت جدل:** بیشتر برای اهل اربابان، علمای فقه و اهل مذاکره

16.00

سیاسی است چنانچه نیاز به مناظره و بحث دارند

17.00

**فایده‌ی ۲- صفت خطاب و شعر:** برای سیاستمداران، فرزانگان جنگ‌ها دعوت

18.00

کنندگان به اصلاح و غیره است به خاطر نیاز این افراد به اقناع فرزندان و پسران

19.00

صفت در آنها و ایجاد تشویق و ایثار و غیره در آنها

20.00

**نکته:** مهم‌ترین این بیانات که حاجت به آنها که از سایرین بیشتر است

۳- صفت برهان - جدل و خطاب است و حتی در آیه‌ی قرآن نیز استهلال این

۳- روش تکریم و تشویق شده آنها که مرفه‌اند **فایده** اذعوا لولی سبیل ربکم

24

مراد

سه شنبه

15 August 2017

۲۲ ذی القعدة ۱۴۳۸

بالعلم والكونفيم الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن

08:00

مراد از علمت برهان و موعظت حسنة ← خطاب

09:00

و عدل احسن ← جدل

10:00

11:00

12:00